

اسلام و نیازهای فطری

کلمه محمد عبدالمعز

ترجمه: صلاح الدین شهنوازی

مدرس مخزن العلوم - خاش

هر برهه‌ای از زمان از منبع وحی الهی محروم مانده و یا از آن فاصله گرفته، مبتلای غرور و نخوت عقلی و علمی زمان خودش گشته است و اکثرآدر شناخت نیازها و مطالبات فطری دچار افراط و تفریط شده و در یافتن راه صواب ناکام مانده است.

در طول تاریخ بشر مشاهده شده که گاهی انسان دنیا و مظاهر آن را هدف نهایی زندگی تصور کرده و برای تأمین نیازها و مطالبات خود، تمتع و بهره‌مندی از همه چیز دنیا را هدف اصلی خویش قرار داده است و اصلاً برایش مهم نبوده چه چیزی از چه راهی - جایز یا ناجایز - به دست می‌آید، چه چیزی برایش مفید است و چه چیزی برایش زیان‌آور. چه اموری در ظاهر مفید و سودمنداند ولی در واقع بسیار مخرب و خطرناک.

همین امر سبب شده که گاهی بشر برای تأمین نیازها و تمتع و تلذذ هر چه بیشتر پیوسته تلاش کند و برای حصول آن از هر طریق ممکن وارد عمل شود، گرچه در روند این تلاشها حقوق دیگران ضایع گردد و برهم نوعان ظلم شود. در واقع همین طرز عمل و طریق زندگی است که انسان را در ردیف حیوانات قرار می‌دهد و از آن به عنوان مادیت پرستی و نفس پرستی یاد می‌شود.

این طریق زندگی را انسانها در فواصل مختلف زمانی برگزیده‌اند. زیرا این طریق سهل و لذت‌آفرین بوده و لذا بد حاصله از آن فوری و در محدوده حواس خمسّه قرار داشته است و به اندازه‌ای در آن فرو رفته‌اند که برای تسکین و تأمین خواهش‌ها و لذایذ دنیوی و برای تهیه و تأمین اسباب خوشگذرانی و تجملات زندگی هر روز روش نوینی ایجاد نموده و برای تکمیل هر یک از مطالبات فطری، به اندازه‌ای اسراف و افراط نموده‌اند که عقل از شنیدن آن در حیرت فرومی‌رود.

به عنوان مثال: یک نفر برای ارضای شهوت جنسی هزاران زن و دختر را در حرمسراهای خود جمع می‌کرده است و برای خاموش کردن آتش شکم، صدها آشپز و خادم داشته است، برای برطرف ساختن یک وعده گرسنگی، دهها غذا از انواع و اقسام مختلف تدارک دیده و مجالس شراب و عیش و نوش را راه انداخته و برای آسایش و راحتی هر چه بیشتر،

نیازهای فطری

هر فرد بشر در دنیا از این حیث که انسان است، دارای نیازها و خواسته‌هایی می‌باشد و چاره‌ای جز تأمین آنها ندارد. به عنوان مثال وقتی گرسنه می‌شود غذا می‌خورد، هر گاه تشنه می‌شود آب می‌نوشد، برای حفاظت از گرما و سرما مسکن تهیه می‌کند، برای ارضای تمایلات جنسی ازدواج می‌کند، هر گاه از کار و فعالیت و محیط زندگی خسته می‌گردد استراحت می‌نماید و خواهان تفریحات نشاط‌انگیز است. همچنین وقتی از تشنگی روح به تنگ می‌آید، خواهان تنهایی شده و به عبادت می‌پردازد.

گرسنگی و تشنگی، شهوت و استراحت، تفریحات و عبادات و... جزء نیازهای فطری بشر هستند که با تأمین آنها، زندگی مسیر درست و موفقیت‌آمیز خویش را طی خواهد کرد. لذا عدم توجه به نیازهای فطری بشر، علاوه بر این که ظلم و تعدی محسوب می‌شود بیانگر مبارزه مستقیم با فطرت بشر است. در اینجا یک سؤال بسیار مهم و اساسی مطرح می‌شود و آن این است که این خواسته‌های فطری چگونه تأمین شوند؟ آیا برای تأمین و تسکین آنها حدود و قیود و یا قواعد و ضوابطی وجود دارد یا خیر؟ و یا اینکه آیا انسان در این زمینه کاملاً آزاد است که هر گاه خواست، نیازش را هر طور که بخواهد تأمین نماید؟ به عنوان مثال: اگر انسانی گرسنه و شکم‌خالی است، آیا در تأمین این نیاز کاملاً آزاد است؟ آیا حق دارد به خانه همسایه‌اش حمله نموده و شکمش را سیر نماید؟ یا اینکه بر وی لازم است تا این حاجت و نیاز خویش را از مال و دارایی خود و از کسب حلال برآورده سازد!

قبیل از این که به این مبحث پردازیم و روش صحیح فطری و اسلامی را در تأمین نیازها و مطالبات انسانی بیان داریم، لازم است که نگاهی کوتاه به تاریخ بشر داشته باشیم و ببینیم که انسانها در حیطه عقل و تجربه خویش با این مسئله چگونه برخورد کرده‌اند.

مادی‌گرایان و نفس پرستان

از مطالعه و بررسی تاریخ چنین بر می‌آید که هر گاه انسان در

کاخهای سر به فلک کشیده و دژهای مستحکم و غیر قابل تسخیر می ساخته است.

این مطالب مربوط به گذشته است. اما اگر به اوضاع نفس پرستان دنیای امروز بنگریم، مشخص می شود که دست کمی از پیشینیان ندارند. به گونه ای که دیو شهوت، عقل آنها را نابود ساخته و برای تسکین غرایز جنسی خویش صدها هزار زن و دختر را در سطح جامعه برهنه و عریان ساخته و اسباب ابتدال و فحشا را در سطح عالم گسترش داده اند. برای ثروت اندوزی هر چه بیشتر، ممالک ضعیف را تحت استعمار خود در آورده و انواع مظلوم را بر مردم دنیا روا داشته اند و چنان نظام اقتصادی مهلکی در سطح جهان پیاده کرده اند که از آن ثمره عرق جبین و قوت بازوی مستضعفان به جیب آنان می رود.

این روش زندگی از دیدگاه اسلام، روشی غیر فطری و مهلک است و انسان را از مقام و کرامت انسانی او به زیر کشد و همچنین باعث نارضایتی پروردگار می گردد. خداوند تعالی در قرآن کریم این قشر از اولاد آدم را از جانوران بدتر قرار داده است: «والذین کفروا یتمتعون و یأکلون کما تأکل الانعام و النار مثوی لهم» (محمد: ۱۲)؛ کافران بهره و لذت می برند و همچون چهارپایان می چرند و می خورند و (بعد از مرگ) آتش دوزخ جایگاه ایشان است.

«اولئک کالانعام بل هم اضل، اولئک هم الغافلون» (اعراف: ۱۷۹)؛ اینان همسان چهارپایانند و بلکه سرگشته تراند. اینان واقعا بی خبر هستند.

راهبان و تارکان دنیا

در ادوار مختلف تاریخ گروهی از انسانها، بر عکس نفس پرستان به رهبانیت و ترک دنیا روی آورده اند و معتقد بوده اند که انسان موجودی پست و ذلیل است و بدون ریاضتهای جانکاه و تحمل مشقتها هرگز نمی تواند به بزرگی و شرافت دست یابد.

این بیماری مهلک گاهی در چهره فقرا و درویشان مصر، گاهی به شکل مانی ها و تجردپسندان ایران، گاهی در هیئت اشراقیون و باطنی های یونان و گاهی در پیکر درویشان و مرتاضان هندو، ماهیت خویش را آشکار ساخته است. اما شدیدترین حمله این بیماری خطرناک بر پیکر انسانیت تقریباً دو بیست سال بعد از عروج آسمانی حضرت عیسی علیه السلام آغاز شد. طرفداران این نظریه در مقابل دنیاپرستان و

مادیگرایان روم، بر ترک دنیا اصرار ورزیده و به آن افتخار می کردند. این رهبانیت جهان مسیحیت را چنان فرا گرفت که با خواندن داستانهایی آن دل انسان می لرزد. آنها برای کشتن نفس خویش تکالیف طاقت فرسای جسمی بر خود روا می داشتند؛ برهنه در گل و لای می خوابیدند؛ در جاهای خشک سکنی می گزیدند؛ لخت و عریان خود را در معرض گزیدن حشرات زهر آگین قرار می دادند؛ بر ستونهای بلند بالا رفته و سالهای سال پایین نمی آمدند؛ در جنگلهای متواری شده و به لانه های حیوانات پناه می بردند و تا مدتهای طولانی از گاه و علف تغذیه می کردند. عمداً خود را زخمی کرده و زخمها را مداوانمی کردند و هنگامی که زخمها بر اثر عفونت شدید، کرم می زد، خوشحال می شدند. پاکیزگی و نظافت را بر خود حرام می دانستند، حتی عدم استعمال آب را برای شستشو و نظافت بدن در طول عمر یکی از بزرگترین افتخارات خود به حساب می آوردند. مردان از انتخاب همسر اجتناب می ورزیدند. زنان زیادی نیز به زندگی تجرد روی می آوردند و ارضای نیازهای جنسی را بر خود حرام می دانستند. برای بیرون ساختن محبت دنیا از قلب، با خویشاوندان خود قطع رابطه می کردند، والدین ناتوان و خویشاوندان نیازمند را رها کرده به کلیساها پناه می بردند و دیدن چهره خویشاوندان را از محرمات می شمردند.

به هر حال واکنشی در مقابل موج عظیم نفس پرستی و مادیگرایی بود.

اما این یک واقعیت مسلم و غیر قابل انکار است که خواسته ها و مطالبات فطری بشر، با سختی و فشار مقهور و مغلوب نمی گردند، شاید برای مدت کوتاهی زیر خاکستر حالات و شرایط مدفون شوند، اما هر گاه به آنها فرصت برسد، همانند آتشفشانی فوران نموده و با قدرت انفجار هر چه تمام تر جامعه را به سوی هلاکت و نابودی می کشانند.

تاریخ گواه است که بعد از رهبانیت کلیسا، چنان طوفانی از مفاسد اجتماعی و رذایل اخلاقی سرازیر شد که کلیساها و عبادتگاهها مراکز فساد و فحشا قرار گرفته و تبدیل به مغازه های خود فروشی گردیدند و به تعبیر یکی از مؤرخان اروپایی: «رختخواب مردان مجرد توسط دختران مجرد گرم می ماند و این دختران به طور نامشروع شهوت مردان را ارضا می کردند.»^۱ و به تعبیر یکی دیگر از مؤرخان مسیحی: «اگر علیه خادمان مذهبی کلیسا عملاً قانونی به اجرا در آید و

طب و

طبابت با

ظهور ابوعلی

سینا، نابغه

فرهیخته

اسلامی، آن

چنان رونقی

پیدا کرد که

او را «امیر

طب» لقب

دادند.

اعلای کلمة الله است، تکمیل نماید.

الله تعالی این اصل کلی را در قرآن کریم تصریح می فرماید که این نعمتها برای شما انسانها آفریده شده اند تا شما از آنها بهره مند شوید.

به عنوان مثال:

«هو الذی خلق لکم ما فی الارض جمیعاً» (بقره: ۲۹)؛ خداوند آن کسی است که همه موجودات و پدیده های روی زمین را برای شما آفرید.

«و ان تعدوا نعمة الله لا تحصوها» (نحل: ۱۸)؛ اگر بخواهید نعمتهای خداوند را بر شمارید، نمی توانید آنها را سر شماری کنید.

۲- برای این که این نعمتها به هدر نروند و به درستی از آنها استفاده شود، الله تعالی چنان نیازها و خواسته هایی در فطرت بشر به ودیعت نهاده است؛ که بشر مجبور است برای تأمین نیازهای خود از این نعمتها بهره برد و راه ترقی را پیماید. مسلم است اگر غریزه گرسنگی، تشنگی، شهوت، استراحت، تفریح و آرامش، زیبا پسندی و محبت مال و دولت در وجود انسان نمی بود، تمام این دنیا تبدیل به ویرانه ای می گشت.

۳- انسان همانند سایر حیوانات نیست، بلکه در میان مخلوقات خداوند، مخلوقی شگفت انگیز است. او همانند حیوانات فقط دارای جسم و خواسته های حیوانی نیست. بلکه مالک روحی لطیف و حساس نیز می باشد. جسم مادی او به دنیای مادی تعلق دارد و روح وی از ملکوت اعلی آمده و دارای صفات ملکوتی است.

از آنجاییکه انسان از دو بُعد تشکیل شده است، نیازهای وی نیز به دو بخش تقسیم می شوند: بعضی از نیازها و خواسته ها، طوری هستند که جسم مادی آنها را می طلبد و تسکین و تکمیل آنها با اشیاء مادی دنیا صورت می گیرد. پاره ای دیگر از نیازها و مطالبات آنهایی هستند که تعلق به روح دارند و تسکین و تأمین آنها از راههای غیر مادی انجام می گیرد. به عنوان مثال اموری از قبیل: راست گفتن و اجتناب از دروغ، شفقت کردن و تنفر از ظلم، خواهان صلح و دوستی بودن و پرهیز از جنگ و ناامنی، آرامش یافتن با ذکر و عبادت خداوند و احساس پریشانی و اضطراب بر اثر گناه و کردار بد و... همه اینها مطالبات و خواسته های فطری هستند که با روح انسانی مرتبط اند.

همه کسانی را که به فساد اخلاقی مبتلایند پاکسازی نمایند، شاید به جز از بچه های کوچک هیچ کسی نجات نکند و اگر کودکان نامشروع را از خدمت کلیسا جدا کنند، شاید برای خدمت کلیسا هیچ کودکی باقی نماند.^(۳) وقتی مراکز عبادی آنها به این صورت اسفناک درآمد بود، پس اوضاع عمومی جامعه چه وضعیتی می توانست داشته باشد!؟

از دیدگاه اسلام این روش زندگی غیر فطری است، و نزد خداوند نیز پسندیده نیست. زیرا خداوند متعال به صراحت می فرماید: «و رهبانیه ابتدعوها ما کتبنا علیهم الا ابتغاء رضوان الله فما رعوها حق رعاتیها» (حدید: ۲۷)؛ پیروان اورهبانیت سختی پدید آوردند که ما آن را بر آنان واجب نکرده بودیم ولیکن خودشان آن را برای به دست آوردن خشنودی خداوند پدید آوردند، اما چنانکه باید حق آن را رعایت نکردند.

اسلام و نیازهای فطری

پس از آن که مشخص گردید انسان هنگام فاصله گرفتن از وحی الهی برای تأمین نیازها و خواسته های فطری چه رویه ای انتخاب کرده است، نوبت آن فرا می رسد که دیدگاه اسلام را در تأمین خواسته های فطری بشر بررسی کنیم برای روشن شدن هر چه بیشتر این موضوع بهتر است به چند اصل بنیادین اسلامی در این زمینه توجه کنیم:

۱- ترک دنیا و اجتناب کامل از آن درست نیست، بلکه بهره مند شدن از آن جایز است. زیرا این امر یکی از اهداف آفرینش است. در اطراف ما عالمی بزرگ با اشیای گوناگون وجود دارد از قبیل: دریاها، ژرف و عمیق، نهرهای جاری، چشمه های زلال، کوههای بلند و سر به فلک کشیده، قله های پوشیده از برف، دشتهای وسیع، درختان بسیار بلند، جنگلهای انبوه، مزارع سرسبز و خرم، میوه های زیبا و شیرین، باغ های پر میوه، کندوهای عسل، معادن نهفته در زمین و ذخایر سیال مواد معدنی، حیوانات گوناگون، احشام دلفریب، درندگان وحشی، پرندگان خوش الحان، ماهیان گوناگون، غذاهای خوب و لذیذ و... همه این اشیاء را خالق کائنات بیهوده نیافریده است که آنها را ضایع کنند و هیچ نوع بهره ای از آنها نبرند بلکه آنها را آفریده تا انسان از آن بهره مند شود و هدف اصلی و نهایی خویش را که همانا عبادت الهی و

☑ **الله تعالی**
این اصل کلی
را در قرآن
کریم
تصریح
می فرماید
که این
نعمتها برای
شما انسانها
آفریده
شده اند تا
شما از آنها
بهره مند
شوید.

پاسخ به يك سؤال مهم

حالا سؤال اینجا است که این مطالبات و خواسته‌های انسان که بعضی با روح و بعضی با جسم تعلق دارند، چگونه تأمین شوند؟ در ثانی چه شیوه‌ای را باید در پیش گرفت تا نه بُعد روحانی پیامال گردد و نه حق جسم مادی تلف شود و حقوق هر یک نیز به طور کامل ادا گردد؟

آری این همان مرحله‌ای است که ناتوانی عقل انسان در پاسخ صحیح به آن آشکار می‌گردد و نیاز به وحی کاملاً احساس می‌شود. زیرا هر گاه بشر فقط بر عقل خویش اعتماد کرده و مسیری را انتخاب نموده است، اغلب شکار افراط و تفریط گشته است. یکی از احسانات عظیم خداوندی است که خداوند برای راهنمایی بشر در فواصل مختلف زمانی، بندگان خاص خود را فرستاده تا بشریت را به راه صحیح و متعادل، رهنمون سازند و انسانها بتوانند خواسته‌ها و مطالبات روحانی و جسمانی خویش را در پرتو رهنمودهای آنان و وحی الهی با اعتدال و توازن کامل تأمین نمایند.

اسلام به همان اندازه که بر آوردن آزادانه و بی قید و شرط خواسته‌های انسانی را برای جامعه مضر می‌داند، به همان اندازه نیز سرکوب و مغلوب ساختن آنها را ویرانگر و زیانبار توصیف می‌کند. اسلام اجازه تأمین و تکمیل خواسته‌ها را داده اما در این زمینه انسان را کاملاً آزاد نگذاشته است بلکه در این خصوص اصول و ضوابطی مقرر نموده که هر فرد مسلمان باید پایبند آن باشد و اگر تخلف ورزد مجرم و مرتکب حرام محسوب می‌شود.

اگر این اصول را با تفصیل بیان کنیم بحث به درازا می‌کشد و از طرفی دانستن تمام آنها لازم نیست. زیرا بعضی‌ها از باب حکمت‌اند و برای یک مسلمان دانستن حکمت حرمت یک شیء ضرورتی ندارد، بلکه برای حرمت یک شیء همین قدر کافی است که خدا و رسول آن را حرام قرار داده‌اند.

اما بیان یک اصل مهم و روشن که در واقع روح و جوهر همه اصول و ضوابط است، لازم به نظر می‌رسد و آن این است که: «برای تأمین و تکمیل خواسته‌ها و مطالبات فطری، به کار بردن شیوه‌هایی که با مقاصد زندگی و اهداف خلقت در تضاد باشد، حرام است.» تفصیل این اجمال این است که: هدف الله تعالی از آفرینش انسان بر روی زمین این بوده که انسان خالق و پروردگارش را پرستش نماید و زندگی را در

☑ اسلام به همان اندازه که بر آوردن آزادانه و بی قید و شرط خواسته‌های انسانی را برای جامعه مضر می‌داند، به همان اندازه نیز سرکوب و مغلوب ساختن آنها را ویرانگر و زیانبار توصیف می‌کند.

فرمانبرداری و اطاعت از او سپری کند. لذا انجام اعمالی که انسان را از یاد خداوند غافل کند و او را از خالق حقیقی روی گردان سازد، گناه شمرده می‌شود. از طرفی دیگر انسان یک موجود اجتماعی است و از بدو تولد در جمع خانواده و اجتماع قرار می‌گیرد، از این روملزم به رعایت اصول اجتماعی در جامعه است. اگر هر فرد حقوق خانواده، خویشاوندان، همسایگان و به طور خلاصه حقوق هر صاحب حقی را ادا نماید، سلامت جامعه بشری تضمین خواهد شد. بنابراین اصل هر عملی که برای جسم یا جامعه انسانی خطر آفرین و برای زندگی انسانها زیان آور باشد، یا باعث شود که انسان از رعایت حقوق جسم و جامعه غافل گردد، حرام است.

در واقع اینها همان اصول بنیادین هستند که بر اساس آنها نوشیدن زهر، خودکشی، رباخوری، رشوه، قتل، شراب خواری، استعمال مواد مخدر و... حرام است. زیرا این اعمال یا برای جسم مضراند یا برای جامعه مهلک و زیانبار، و یا چنان‌اند که انسان را از اهداف و مقاصد زندگی غافل می‌سازند.

حالا چگونه می‌توان بی‌برد که چه چیزی با اهداف زندگی در تضاد است و چه چیزی در تضاد نیست؟ و در این زمینه چه معیاری وجود دارد؟

در اینجا دو راه پیش روی ما قرار دارد: ۱- فقط عقل و تجربه بشری را معیار قرار دهیم، ۲- به وحی الهی رجوع و اعتماد کنیم.

ناقص و قاصر بودن عقل و تجربه انسانی یک امر بدیهی است؛^(۳) به همین سبب تنها وحی الهی است که می‌تواند در این زمینه بهترین معیار قرار گیرد. بنابراین اصل برای تکمیل و تأمین خواسته‌ها و مطالبات فطری بشر، انتخاب شیوه‌ای که با قوانین و دستورات بنیادین اسلام- که برگرفته از وحی الهی هستند- در تضاد باشد حرام و ناجایز است. زیرا چنین شیوه‌هایی یقیناً با مقاصد و اهداف زندگی انسان که وحی الهی آن را مشخص می‌کند، در تضاداند و یا باعث می‌شوند که انسان از آنها دور گردد.



پاورقی:

- ۱- برداشتی از سوره کهف، علامه مناظر احسن گیلانی، ترجمه: علامه محمدابراهیم دامنی.
- ۲- مرجع سابق.
- ۳- اندر این ره گر خرد راه بین بدی- فخر رازی رازدار دین بدی.
- ۴- مستدرک، کتاب الجهاد: ۹۵/۲.